

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال دوم شماره ۵ بهار ۱۳۸۶

ارتباط سرسختی روانشناختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

دکتر محمد نریمانی - دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی

زرار محمدمامینی - کارشناس ارشد روانشناسی

دکتر اوشا برهمند - استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

دکتر عباس ابوالقاسمی - استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه سرسختی روانشناختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه شهر اشنویه در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر اشنویه تشکیل می‌دهند ($N=1588$) که از این تعداد ۲۱۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته، آزمون هوشی ریون، اسناد و مدارک تحصیلی و پرسشنامه‌های سرسختی روانشناختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی استفاده شده است. هم‌چنین روش تحقیق، همبستگی بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای سرسختی روانشناختی ($r=0/32$)، سبک‌های تفکر ($r=0/16$) و مهارت‌های اجتماعی ($r=0/12$) با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. از سه متغیر پیش‌بین تنها متغیرهای سرسختی روانشناختی و سبک‌های تفکر قابلیت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را دارد.

واژه‌های کلیدی: سرسختی روانشناختی، سبک‌های تفکر، مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی.

شخصیت را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع روانشناسی دانست. زیرا محور اصلی بحث شخصیت در زمینه‌هایی مانند ادراک، تفکر، عواطف، یادگیری، انگیزه، احساسات، هوش و غیره است. شناخت ویژگی‌ها، چگونگی شکل‌گیری و عوامل مؤثر در ایجاد شخصیت مسائلی مانند ارضای حس کنجکاو و میل به حقیقت‌جویی را در انسان به دنبال دارد؛ زیرا این شناخت نوعی خودشناسی است و شخص هنگام مطالعه موضوع‌های ذکر شده غالباً آن دانسته‌ها را با خود مقایسه کرده و تطبیق می‌دهد و احتمالاً با این شناخت نوعی طبقه‌بندی انجام می‌دهد، یعنی خود را در یکی از تیپ‌های شخصیتی قرار می‌دهد یا خود را دارای ویژگی‌های خاص می‌بیند (کریمی، ۱۳۸۰).

اگر شخصیت را به عنوان ترکیبی از اعمال، افکار، هیجانات و انگیزش‌های فرد بدانیم، مؤلفه‌های سازنده شخصیت ممکن است در افراد مختلف متفاوت باشند. یکی از این مؤلفه‌ها سرسختی است. ریشه‌های مفهومی سرسختی، برخلاف دیدگاه‌های معتقد به واکنش انفعالی انسان که در اغلب کارها در زمینه فشارهای روانی و بیماری مشاهده می‌شود، برگرفته از مجموعه‌ای از رویکردها در خصوص رفتار انسانی است که مدی^۱ (۱۹۷۳) در مقوله‌بندی نظریه‌های عمده شخصیت، آنها را نظریه تکامل می‌نامد (مدی، ۱۹۷۳ به نقل از وردی، ۱۳۸۰). شخصیت سرسختی^۲ که کوباسا^۳ (۱۹۷۹) صورت‌بندی کرده است بر پایه نظریه‌هایی است که روانشناسان وجودی در مورد درجه و شدت یک زندگی صحیح مطرح کرده‌اند. کوباسا (۱۹۸۸) با استفاده از نظریه‌های وجودی در شخصیت، سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی تشکیل شده است. از دیدگاه کوباسا فرد سرسخت کسی است که سه مشخصه عمومی دارد: الف: اعتقاد به این که فرد قادر به کنترل و یا تأثیرگذاری بر روی حوادث است و فشارزاهای روانی را قابل تغییر می‌داند. ب: توانایی احساس عمیق در آمیختگی و یا تعهد نسبت به فعالیت‌هایی که فرد انجام

1- Maddi
3- Kobasa

2- hardiness

می‌دهد. ج: انتظار این که تغییر توام با مبارزه هیجان انگیز، برای رشد انسان بیشتر موثر است و آنرا جنبه‌ای عادی از زندگی می‌داند (کوباسا، ۱۹۸۸).

وستمن^۱ (۱۹۹۰) با بررسی زنان و مردانی که در حال ورود به دانشکده افسری ارتش بودند، نشان داد که سرسختی روان‌شناختی بالاتر با موفقیت تحصیلی بیشتری همراه است. پاتن و گلدنبرگ^۲ (۱۹۹۹) در پژوهشی بر روی ۴۱ دانشجوی پرستاری دریافتند که اضطراب و سرسختی روان‌شناختی می‌توانند موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر قرار دهند. وردی (۱۳۸۰) در پژوهش خود نشان داد که کمال‌گرایی با سلامت روانی رابطه منفی دارد، اما با عملکرد تحصیلی رابطه‌ای ندارد. هم‌چنین سرسختی روان‌شناختی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی رابطه‌ای مثبت دارد. آلیس و شانسی (۱۹۹۳) در بررسی‌های خود در زمینه ارتباط سرسختی با عملکرد تحصیلی و قابلیت اجتماعی دریافتند که سرسختی روان‌شناختی با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. یکی از تفاوت‌های فردی بین افراد، تفاوت در سبک‌های تفکر آنها است و این دومین متغیر پیش‌بین مطالعه حاضر بوده است. و استرنبرگ شیوه‌های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را سبک‌های تفکر می‌نامد.

استرنبرگ براساس نظریه «خود حکومتی ذهنی»^۳ سیزده سبک تفکر را مطرح می‌کند. اندیشه اساسی نظریه او این است که انواع حکومت‌های موجود در جهان صرفاً به صورت تصادفی و اتفاقی به وجود نیامده‌اند، بلکه آنها انعکاس‌های بیرونی از آنچه در ذهن افراد روی می‌دهند، هستند. یعنی آنها منعکس‌کننده روش‌های متفاوتی هستند که افراد با آنها ذهن خود را کنترل و سازماندهی می‌کنند. بنابراین، حکومت‌ها، آیینیهایی از ذهن افراد هستند. استرنبرگ اصطلاح حکومت را به صورت استعاره به کار می‌برد تا نشان دهد که بین سازماندهی فردی و سازماندهی اجتماعی توازنی برقرار است. استرنبرگ معتقد است که افراد مانند شهرها، ایالت‌ها یا کشورها نیاز به اداره و

1- Westman
3- self-mental

2- Goldenberg

کنترل خودشان دارند. حکومت‌ها نیز ابعاد متفاوتی نظیر کارکرد، شکل، سطوح، دامنه (گستره) و گرایش^۱ دارند (استرنبرگ، ۱۹۸۸).

کارکرد اساسی حکومت عبارتند از:

الف) قانون‌گذارانه^۲ (ب) اجرایی^۳ (ج) قضایی^۴

چهار شکل حکومت عبارتند از:

الف) موناشری^۵ (پادشاهی یا تک‌سالاری) (ب) سلسله‌مراتبی^۶ (پایورسالاری)

ج) الیگارشی^۷ (جرگه‌سالاری) (د) آنارشی^۸ (هرج و مرج طلبی)

سطوح اساسی حکومت شامل سطوح کلی و جزئی است. دو دامنه مسلط حکومت شامل درونی و بیرونی و دو گرایش حکومت شامل محافظه‌کارانه و آزادمنشانه است. استرنبرگ و گریگورنکو^۹ (۱۹۹۷) معتقدند که مطالعه سبک‌های تفکر بین شخصیت و شناخت پلی ایجاد می‌کند و برای پیش‌بینی موفقیت‌های تحصیلی و شغلی، مفید و ضروری هستند. حتی استرنبرگ بیان می‌کند که سبک‌های تفکر، روش‌های غالب برای استفاده از توانایی‌های شناختی هستند. سبک‌ها نشان می‌دهند که چگونه افراد دوست دارند توانایی‌های خویش را در زندگی روزمره به کار گیرند.

زهانگ^{۱۰} و استرنبرگ (۱۹۹۸) با بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر، توانایی‌ها و پیشرفت تحصیلی دانشجویان هنگ‌کنگ نشان دادند که سبک‌های تفکر بیشتر از توانایی‌های شناختی پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی هستند و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مرد به طور مثبت با تفکر تحلیلی رابطه دارد. زهانگ (۲۰۰۲) در پژوهشی سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی ۴۲۹ دانشجوی فیلیپینی را بررسی کردند. نتایج

1- leaning
3- executive
5- monarchic
7- oligarchic
9- Grigorenko

2- legislative
4- judicial
6- hierarchical
8- anarchic
10- Zhang

مطالعه نشان داد که سبک‌های تفکر با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. امامی‌پور (۱۳۸۲) در یک مطالعه نشان داد که بین سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان رابطه وجود دارد به طوری که سبک‌های تفکر آزادمنشانه و سلسله‌مراتبی پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی بالا در دانش‌آموزان و سبک تفکر الیگارش‌پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی پایین در دانشجویان هستند.

همایونی و عبداللهی (۱۳۸۲) در مطالعه خودشان نشان دادند که بین سیستم‌های شناختی، سبک‌های یادگیری، مفهوم‌سازی انتزاعی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس ریاضی و انگلیسی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. شانی و ناچمیاس^۱ (۲۰۰۰) رابطه بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر را با سبک‌های تفکر دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار داده و نشان داده‌اند که بین متغیر جنس با سبک‌های تفکر ارتباطی وجود ندارد اما بین سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و سبک درونی بالاترین میزان همبستگی را با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته است (به نقل از امامی‌پور، ۱۳۸۱). از مجموع نتایج مطالعات می‌توان استنباط کرد که بیشتر مطالعات وجود همبستگی بین سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد پیش‌بینی قرار داده‌اند. سومین متغیری که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به وسیله آن مورد پیش‌بینی قرار گرفته است مهارت‌های اجتماعی است به طوری که مک‌کلند و موریسون (۲۰۰۰) مهارت‌های اجتماعی را رفتارهای انطباقی یادگرفته شده ای می‌دانند که فرد را قادر می‌سازد تا با افراد دیگر روابط متقابل داشته باشند و از خود پاسخ‌های مثبت بروز دهد و از بروز پاسخ‌های نامناسب اجتناب کند.

پژوهشگران معتقدند که انسان به طور فعال مسائل را حل نموده و دارای هوش و انتظارات و کنترل داخلی است و در هر صورت به متغیرهای محیطی واکنش نشان

1- Nachmiass

می‌دهد. آنها معتقدند افراد دنیای اجتماعی خود را مورد مشاهده قرار می‌دهند. اطلاعات لازم را از آن استخراج می‌کنند و انتظارات خود را تعلیم می‌دهند. انتخابی که بالاترین پاداش محیطی را به دنبال داشته باشد به عمل می‌آورند، احساس شایستگی می‌نمایند و در همان حال از پیامدهای ناخوشایند اجتناب می‌ورزند. تئوری پیازه رشد اجتماعی را به طور تجزیه‌ناپذیری با کل انسان مرتبط می‌داند. افراد از خلال تجربه‌ها و تعامل‌های اجتماعی چیزهایی دربارهٔ جهان می‌آموزند و نیز به انطباق و تمرین مهارت‌های اجتماعی‌بی می‌پردازند که در روابط اجتماعی قبلی آموخته شده‌اند و به تجربه روی می‌آورند. محقق دیگری اظهار نموده است که تحول اجتماعی - عاطفی ممکن است بیش از تحول شناختی در تعیین موفقیت نسبی و سازگاری فرد در مدرسه و زندگی تحصیلی‌اش اثر داشته باشد یعنی عامل عاطفی نسبت به عامل شناختی تأثیر بیشتری در روابط اجتماعی دارد (حبیبی، ۱۳۸۱).

شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد ویژگی‌های رفتار اجتماعی کودکان در سازگاری با مدرسه و عملکرد تحصیلی‌شان نقش دارد (آتشی، ۱۳۷۸). برای مثال معلمان گزارش می‌کنند که کودکان با سطوح مختلف از مهارت‌های اجتماعی وارد مدرسه می‌شوند که این مهارت‌ها نقش حساس و بحرانی در موفقیت‌های اولیه دارد (مک‌کلند و هولمز، ۲۰۰۳). یافته‌های استرنبرگ (۱۹۸۸) نشان می‌دهد کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی نقص دارند اغلب با مشکلات یادگیری و رفتاری مواجه می‌شوند. چنان که نقص در مهارت‌های اجتماعی پایدار بماند در درازمدت فرد را با مشکلاتی از قبیل چرخه‌های شکست، طرد شدن از طرف همسالان، ضعف تحصیلی در مدرسه و مشکلات سازگاری در بزرگسالی مواجه می‌کنند. ولش، پارک و وایدمن^۱ (۲۰۰۱)، به بررسی رابطهٔ قابلیت‌های اجتماعی و تحصیلی ۱۶۳ دانش‌آموز ابتدایی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که پیشرفت تحصیلی مستقیماً با قابلیت اجتماعی افراد ارتباط دارد.

1- Weidman

آشر و تیلور (۱۹۸۱) در مطالعه خود ثابت کرده‌اند که کودکانی که دارای مهارت‌های اجتماعی کافی هستند در ایجاد رابطه با همسالان و یادگیری در محیط آموزشی موفق‌تر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت‌ها هستند (به نقل از حبیبی، ۱۳۸۱). رحیم‌آبادی (۱۳۷۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره دبستان بیشتر از دوره‌های دیگر همبستگی مثبت وجود دارد. مالکی و الیوت (۲۰۰۲؛ به نقل از آتشی، ۱۳۷۸) در پژوهش خود نشان دادند که مهارت‌های اجتماعی اگر به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد به طور مثبت پیشرفت تحصیلی آنها را پیش‌بینی می‌کند اما احتمالاً در مقایسه با متغیرهای دیگر چون سبک‌های تفکر و سرسختی از توان پیش‌بینی ضعیفی برخوردار خواهد بود.

با توجه به این که پژوهش‌های گوناگون نشان داده‌اند که سبک‌های تفکر با فرایندهای خلاقیت، حل مسأله، تصمیم‌گیری، پیشرفت تحصیلی و روش‌های آموزشی و ارزشیابی تحصیلی رابطه دارند؛ هم‌چنین مهارت‌های اجتماعی و سرسختی روانشناختی نیز با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت دارند؛ اما کدام یک از این متغیرها سهم بیشتری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد؟ باتوجه به یافته‌های فوق هدف این پژوهش پاسخگویی به دو سؤال زیر بوده است: ۱- آیا هر یک از متغیرهای سبک‌های تفکر، سرسختی روانشناختی و مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه دارند؟ ۲- کدام یک از سه متغیر سبک‌های تفکر، سرسختی روانشناختی و مهارت‌های اجتماعی قابلیت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارند؟

روش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان مدارس پسرانه دوره متوسطه شهر اشنویه در رشته‌های مختلف تحصیلی تشکیل می‌دهند ($N=1588$)، که از این تعداد ۲۱۰ نفر

به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در پژوهش حاضر به منظور کشف روابط بین متغیرها از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک تحصیلی، پرسشنامه محقق ساخته و پرسشنامه‌های سرسختی روانشناختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش ورود و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری

فرم کوتاه پرسشنامه سبک‌های تفکر: در این پژوهش سرسختی روانشناختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی متغیرهای پیش‌بین و پیشرفت تحصیلی متغیر ملاک می‌باشد. در این پژوهش برای بررسی سبک‌های تفکر از فرم کوتاه پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ - واگنر (۱۹۹۲) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۶۵ سؤال است و از ۱۳ خرده آزمون تشکیل شده است. هر خرده آزمون شامل ۵ سؤال است که یک سبک تفکر را اندازه‌گیری می‌کند. دامنه ضریب پایایی این پرسشنامه بین ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ می‌باشد.

پرسشنامه سرسختی: برای سنجش سرسختی از پرسشنامه سرسختی (پولتی، بارتون، رابرت، یوگراند، کاتلین، لاری و اینگرام^۱، ۱۹۸۹) استفاده شده است. این ابزار یک مقیاس خود گزارشی مداد - کاغذی است که دارای ۴۵ آیتم می‌باشد و دارای سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی است. پایایی آن در پژوهش حاضر با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۶۸ می‌باشد. ضریب اعتبار آزمون در حد قابل قبول می‌باشد.

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی: برای سنجش مهارت‌های اجتماعی از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۶۲

1- Polti ,Barton ,Robert Uogrand,Catlin,Lary & Ingram

سؤال است که مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان را می‌سنجد. برای بررسی پایایی مقیاس مهارت‌های اجتماعی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر ۰/۸۶ بود. همچنین برای تعیین روایی سازه آزمون از روش تحلیل عاملی با استفاده از مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است که مقدار ضریب kmo برابر با ۰/۸۶ بوده است (یوسفی و خیر، ۱۳۸۲). پایایی پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی در پژوهش حاضر با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۲ می‌باشد. لازم به ذکر است که شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت گروهی و در محل تحصیل دانش‌آموزان بوده است به طوری که ابتدا پرسشنامه محقق ساخته، در مرحله دوم پرسشنامه سرسختی روان‌شناختی، در گام سوم پرسشنامه سبک‌های تفکر و در مرحله چهارم پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی اجرا شده است. در مرحله آخر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از پرونده تحصیلی‌شان استخراج شده است.

یافته‌ها

جدول (۱) ضریب همبستگی متغیرهای سرسختی روان‌شناختی، سبک‌های تفکر، مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی

متغیر	سرسختی روان‌شناختی	مهارت‌های اجتماعی	سبک‌های تفکر
پیشرفت تحصیلی	$r = 0.222$ $P = 0.001$	$r = 0.127$ $P = 0.05$	$r = 0.168$ $P = 0.01$

نتایج موجود در جدول شماره یک نشان می‌دهد که بین سرسختی روان‌شناختی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت معناداری ($P < 0.01$) وجود دارد. بدین معنی که با بالا رفتن میزان سرسختی روان‌شناختی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. همچنین بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0.05$). بدین معنی که هر چه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بالا باشد، پیشرفت تحصیلی آنها بهتر خواهد بود. براساس نتایج

جدول بالا بین سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$) بدین معنی که هر چه دانش‌آموزان دارای سبک‌های تفکر مناسب بیشتری باشند، پیشرفت تحصیلی آنها بهتر خواهد شد.

جدول (۲) پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی با توجه به متغیرهای سرسختی روان‌شناختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی

خلاصه مدل

مدل	R	مجذور R	مجذور R تصحیح شده	برآورد خطای استاندارد
۱	۰/۳۰۷	۰/۵۰	۰/۴۷	۷/۱۰۵

آنوا

مدل	SS	Df	F	Sig
رگرسیون	۹۴/۷۷	۳	۳۱/۵۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۹۱۳/۴۵	۲۰۶	۴/۴۴	
کل	۱۰۰۸/۲۳	۲۰۹		

ضرایب

Sig	t	ضریب غیر استاندارد		مدل
		ضریب استاندارد	Std.Error	
۰/۰۰۱	۳/۳۴		۲/۰۴	Constant
۰/۰۰۱	۳/۷۹	۰/۲۵۳	۰/۰۱	سرسختی روان‌شناختی
۰/۶۰۸	۰/۵۱۴	۰/۰۳۹	۰/۰۰۷	مهارت‌های اجتماعی
۰/۰۲۴	۲/۲۶۸	۰/۱۷۹	۰/۰۰۴	سبک‌های تفکر

جدول مربوط به خلاصه مدل نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده ۴۷٪ تغییر در نمرات پیشرفت تحصیلی را به حساب آورده است همچنین جدول آنوا تحلیل واریانس را گزارش می‌کند که معنی داری کل مدل را مورد ارزیابی قرار می‌دهد به طوری که با استفاده از روش Enter مدل معنی داری زیر به دست آمده است:

$$(F_{3,206}=31/59, P<0/001, \text{Adjusted R Square} = 0/47)$$

با توجه به جدول مربوط به ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر یک از متغیرها مقدار t نشان می‌دهد که دو متغیر پیش‌بین اثر معنی‌داری بر متغیر ملاک دارد و متغیرهای معنی‌دار عبارتند از:

جدول شماره (۳) مقادیر بتا و سطح معناداری متغیرهای پیش‌بین پیشرفت تحصیلی

متغیرهای پیش‌بین	بتا	p
سرسختی روانشناختی	۰/۲۵۳	p<0/001
مهارت‌های اجتماعی	۰/۰۳۹	p<0/608
سبک‌های تفکر	۰/۱۷۹	p<0/024

پس می‌توان گفت که سرسختی روان‌شناختی و سبک‌های تفکر قابلیت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارند ($P < 0/01$) و سهم متغیر سرسختی روان‌شناختی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر از سبک‌های تفکر می‌باشد، اما قابلیت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی توسط متغیر مهارت‌های اجتماعی در سطح معنی‌دار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که بین سرسختی روان‌شناختی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با بالا رفتن میزان سرسختی روان‌شناختی میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز افزایش

می‌یابد. بطور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که احتمالاً افراد دارای سرسختی بالا حتی اگر فعالیت و کاری همانند کسب علم برای آنان رغبت‌انگیز نباشد، با استفاده از راهبردهایی این فعالیت‌ها را به فعالیت مثبت‌تری تبدیل می‌کنند و از انجام آن لذت می‌برند. آنان با توجه به ویژگی سرسختی روان‌شناختی در امر تحصیل و کسب علم و دانش متعهد، مبارزه‌جو و دارای کنترل نسبت به وقایع اطراف خود می‌باشند. به طوری که نتایج پژوهش‌های وستمن (۱۹۹۹) و وردی (۱۳۸۰) نشان داد که بین سرسختی روان‌شناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. با توجه به این یافته‌ها چنین می‌توان استنباط کرد که ویژگی شخصیتی سرسختی، نگرش درونی خاصی را به وجود می‌آورد که شیوه رویارویی افراد با مسائل مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که فرد فشارهای روانی را به صورت واقع‌بینانه و با بلندنظری مورد توجه قرار دهد. به عبارت دیگر، صفت مبارزه‌جویی، فرد سرسخت را قادر می‌سازد تا حتی حوادث ناخوشایند را بر حسب امکانی برای یادگیری و نه تهدیدی برای ایمنی در نظر بگیرد و تمامی این جنبه‌ها باعث پیشگیری و یا کوتاه شدن مدت پیامدهای منفی حوادث فشارزا می‌شود.

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بین سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < / 0.1$). این یافته با نتایج مطالعه زهانگ و استرنبرگ (۱۹۹۸) همخوانی دارد چون که آنها نیز نشان دادند که سبک‌های تفکر بیشتر از توانایی‌های دیگر پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی هستند. (به نقل از امامی‌پور، ۱۳۸۱). و حتی با نتایج مطالعات شانی و ناچمیاس (۲۰۰۰) و زهانگ (۲۰۰۱) و امامی‌پور (۱۳۸۱) نیز همخوانی دارد چون که آنها نیز رابطه بین پیشرفت تحصیلی و سبک‌های تفکر دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که بین سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین میزان مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد. دان لی و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین پیشرفت تحصیلی و

سازگاری اجتماعی در بین نمونه‌ای از دانش‌آموزان ۱۰ تا ۱۲ ساله چینی دریافتند که پیشرفت تحصیلی می‌تواند توانش‌های اجتماعی و مقبولیت اجتماعی کودکان را پیش‌بینی کند. همچنین مالکی و الیوت (۲۰۰۲؛ به نقل از آتشی، ۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان رفتار اجتماعی به عنوان پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نشان دادند که مهارت‌های اجتماعی به طور مثبت پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند. بسیاری از تحقیقات بر رفتارهای اجتماعی اولیه کودکان و پیشرفت تحصیلی مرتبط با رفتارهای اجتماعی متمرکز شده‌اند و بر اهمیت این رفتارها در موفقیت تحصیلی تأکید کرده‌اند (موریسون، ۲۰۰۲، مک کلند و دیگران ۲۰۰۰؛ به نقل از مک کلند و همکاران، ۲۰۰۳). یافته‌های استرنبرگ (۱۹۸۹) نشان می‌دهد کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی نقص دارند اغلب با مشکلات یادگیری و رفتاری مواجه می‌شوند. چنان‌که نقص در مهارت‌های اجتماعی پایدار بماند، در درازمدت فرد را با مشکلاتی از قبیل چرخه‌های شکست، طرد شدن از طرف همسالان، ضعف تحصیلی در مدرسه و مشکلات سازگاری در بزرگسالی مواجه می‌کند. وقتی که ارتباط متغیرهای سرسختی، سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیرهای پیش‌بین پیشرفت تحصیلی به طور همزمان با تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار گرفت دیده شد که از میان متغیرهای مذکور بیشترین همبستگی را سرسختی روان‌شناختی با پیشرفت تحصیلی دارد. و سبک‌های تفکر از نظر قدرت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی در رتبه دوم قرار دارد و مهارت‌های اجتماعی بعنوان متغیر سوم در کنار دو متغیر دیگر سهم زیادی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ندارد. در تبیین این یافته می‌توان از تبیین مالکی و الیوت (۲۰۰۲؛ به نقل از آتشی، ۱۳۷۸) کمک گرفت به طوری که آنها در پژوهش خود نشان دادند که مهارت‌های اجتماعی اگر به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد به طور مثبت پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کند اما احتمالاً در مقایسه با متغیرهای دیگر چون سرسختی و سبک‌های تفکر دانش‌آموزان از متغیرهای پیش‌بین ضعیف محسوب می‌شود.

References

منابع

آتشی، سیدحسین. (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار دبیرستانی شهرستان یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه علامه طباطبایی.

امامی‌پور، سوزان. (۱۳۸۲). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری‌های آموزش، شماره سه، سال دوم، بهار سال ۱۳۸۲، ص ۳۵ تا ۵۶.

حبیبی، نسرين. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و سازگاری فردی - اجتماعی در دختران دانش آموز شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه تهران.

رحیم‌آبادی، حسین. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در دروس ریاضی و خواندن گروهی از دانش‌آموزان عادی کلاس‌های چهارم و پنجم شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز.

کریمی، یوسف. (۱۳۸۰). اختلالات یادگیری؛ مسائل نظری و عملی به انضمام مطالعات موردی نمونه. تهران؛ نشر ساوالان.

همایونی، علیرضا؛ عبداللهی، محمدحسین. (۱۳۸۲) بررسی رابطه سبک‌های یادگیری و سبک‌های شناختی و نقش آن در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. مجله روان‌شناسی، جلد ۷، شماره ۲، نسخه ۲۶، صفحات ۱۷۹ الی ۱۹۷.

وردی، مینا. (۱۳۸۰). رابطه کمال‌گرایی و سرسختی روانشناختی با سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دختر مرکز پیش‌دانشگاهی اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناختی.

Alice & Shaunessy. (1993). The Relationship Between Hardiness, Ego Strength, Stressors, Academic Performance and Social Competence in an Adolescent Population. *Psy. D. P.* 114-DAI-b53/10, D5485.

- Dan, Lif et al. (1997). Relation Between Academic Achievement and Social Adjustment: Evidence From Children. *Developmental Psychology Journal*. Vol. 33. No 3, 518-525.
- Kobasa, S. C. (1988). Hardiness in Lindsey, Thompson, and Spring (Eds). *Psychology* (3rd Ed). New York. Worth Publication.
- McClelland, M. & Morrison, S. (2003). *The Emergence of Learning-related Social Skills in Preschool*. Children Early Childhood Research Quarterly. Vol. 18, 206-224.
- McClelland, M., Morrison, S. & Holmes, P. (2000). Children at Risk for Early Academic Problems: The Role of Learning-Related Social Skills. *Early Childhood Research Quarterly*. Vol. 15. No, 3. 103-110.
- Patton & Goldenberg. (1999). Hardiness and Anxiety as Predictors of Academic Success in First-rate Full-time and Part-time RN Students. *The Journal of Continuing Education in Nursing*. Vol. 30, Iss. 4; pg, 158, 10 Pags.
- Sternberg. R. J. (1988). Mental Self-government: A Theory of Intellectual Styles and Their Development . *Human Development*, 31,197-224.
- Sternberg. J. & Grigorneco. E. L. (1997). Are Cognitive Still in Styles? *American Psychologist*. 52, (7), 700-712.
- Welsh, M., Parke, D., Wildman. & Neil. (2001). Linkages Between Children's Social and Competence: A Longitudinal Analysis. *Journal of School Psychology*. Vol.39. No.6, pp.463-481
- West Man, M. (1990). The Relationship Between Stress and Performance: The Moderating Effect of Hardiness. *Human Performance*. 3, 141-155.
- Zhang, L. F. (2002). Thinking Styles and Academic Achievement Among Filipino Students. *J. Psychol*. 163 (2): 149-69.
- Zhang, L. F. & Sternberg R. J. (1998). Thinking Styles, Abilities and Academic Achievement Among Hong Kong Students. *Educational Research Journal*. 13, (1), 41-62.